



تحلیل و بررسی مواد 3 و 6 قانون بکارگیری سلاح و ابهامات ناشی از آن

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۲

صفحه: ۳۷-۶۲

علی فاضلی^۱، نعیمه کریمی^۲

چکیده

قانون بکارگیری سلاح مصوب ۱۳۷۳، از جمله قوانین خاص کشور است که در آن به احصای شرایط و نحوه بکارگیری سلاح، توسط نیروهای مسلح پرداخته شده است. اما این قانون بر اساس شرایط و مناطق جغرافیایی، تنوع ماموریت ها و وظایف تخصصی نیروهای مسلح بخصوص پلیس تدوین نشده و این امر ضمن وجود برخی نقیصه ها به خصوص در مواد ۳ و ۶ این قانون، مشکلاتی را پدید آورده و از دیر باز، مورد نقد و بررسی حقوقدانان و به ویژه قضات واقع شده که در آرا و قرار های مصدور از دادسرا ها و دادگاه های عمومی و نظامی در بسیاری موارد، شاهد اختلاف نظر در تفسیر قانون علیه ماموران تیرانداز، به ویژه کارکنان ناجا، به دلیل گوناگونی و وفور ماموریت های آنان می‌باشیم. بنابراین، نگاشته کنونی، ابتدا کاستی ها و معایب اساسی این قانون را بر شمرده و سپس در حیطه بحث، پیشنهاد های مقتضی را ارائه نموده است.

واژگان کلیدی: قانون بکارگیری سلاح، ماموران نیروهای مسلح، دادسرا و دادگاه های نظامی

۱. نویسنده مسئول و کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی از دانشگاه علوم و تحقیقات تهران و مدرس دانشگاه

۲- کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی از دانشگاه علوم و تحقیقات تهران و مدرس دانشگاه



مقدمه

همواره از مسائل مهم در جوامع بشری، مسئله امنیت بوده که تقریباً همه افراد پیش از هرگونه برنامه ریزی در زمینه های مختلف شغلی، اجتماعی، اقتصادی، و...، نخست به آن می پردازند. به عبارتی، شرایط خود را با حساب سود و زیان های حاصل از آن برنامه سنجیده و سپس اگر در آن اوضاع خود را ایمن از برخی مشکلات ببینند، نسبت به ورود به آن عرصه اقدام می نمایند. اما امنیت چیست؟ از نظر برخی «امنیت حالت فراغت نسبی از تهدید یا حمله یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله را گویند. (آشوری، ۱۳۷۸، ۳۸) به گفته والتر لپمن^۱: «یک ملت در شرایطی در امنیت است که خطر از بین رفتن ارزش های اساسی و تقاضایشان مبنی بر اجتناب از جنگ، وجود نداشته باشد و قدرت حفظ آن ها را از طریق پیروزی در جنگ دارا باشند» (میرعرب، ۱۳۷۹، ۱۳۷) همچنین «امنیت از ضروری ترین نیازهای یک جامعه است که در گفتمان سلبی بر نبود خطر و تهدیدات استوار است و در گفتمان ایجابی به تأمین و تضمین آسایش و آسودگی نظر دارد.» (نویدنیان، ۱۳۸۴) اما برقراری امنیت در هر جامعه بنا به برخی خصایص از جمله: جغرافیای سیاسی^۲، دارا بودن منابع زیر زمینی، داشتن دشمنان یا هم پیمانان، فاکتورهای خاص خود را داراست. به هر شکل تأمین امنیت در معنای واقعی و مستمر، نیازمند صرف هزینه های سنگین، وجود قوانینی جامع و مهمتر از همه همکاری شهروندان و بکار گرفتن نیروهای کارکشته در این زمینه است. قطعاً قانونگذار با تصویب قانون بکارگیری سلاح توسط نیروهای مسلح در موارد ضروری در تاریخ ۱۳۷۳/۱۰/۲۸ ضمن صدور اذن قانونی برای تیراندازی در مواقع ضروری؛ حفظ حقوق شهروندی که به موجب اصل بیست و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^۳، محترم شمرده شده را مورد توجه قرار داده، رعایت آن را برای ماموران لازم و تخطی از آن را قابل مجازات دانسته است. به طور معمول مفهوم سلاح یا اسلحه به قدری آشناست که گویا نیاز به تعریف نیست. اما در ماده ۱ «آیین نامه اجرایی قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۹۲»، انواع سلاح تعریف و به دسته بندی آن ها پرداخته است. برای نمونه سلاح گرم «سلاحی است که با استفاده از نیروی گاز باروت (نیروی حاصل از احتراق پیشرانه) یا به صورت دستی مسلح شده و توانایی پرتاب یک یا چند گلوله را به صورت تک تیر و یا رگبار دارد» و بر ۳ نوع است. این تعریف چندین ایراد دارد که در جای خود به آن خواهیم پرداخت.

۱. Walter Lippmann

۲. Geopolitics



بیان مسئله

گاهی شاهدیم که نظم، امنیت و حقوق افراد جامعه، توسط اشخاص قانون گریز مورد تجاوز قرار می‌گیرد. مسلماً چنین رفتارهایی را جامعه بر نمی‌تابد و با توجه به خواست عمومی، جرم انگاری شده و دارای ضمانت اجرا خواهد بود. در این میان مأموران پلیس هر کشوری به عنوان بازوان دستگاه قضا و در واقع مسئولین اصلی پیشگیری از جرم در جامعه ایفای نقش می‌نمایند. در این راستا نیازمندی به قوانین حمایتی و مجوز های مقتضی برای انجام هر چه بهتر وظایف، احساس شده و لازم است نسبت به آن اقدام های لازم صورت گیرد. در میهن ما، مأموران پلیس در کنار سایر نیروهای مسلح، وظیفه برقراری نظم و امنیت داخلی کشور را برعهده دارند و در حین انجام این وظایف، در شرایط خطیری قرار می‌گیرند که برای جلوگیری از فرار متهمین یا مجرمین، پیشگیری از وقوع برخی جرایم و مدافعه شخصی؛ بکارگیری سلاح ضروری می‌شود. در سال ۱۳۷۳ به موجب قانون بکارگیری سلاح در موارد ضروری، مجوز حمل و استفاده از اسلحه، در اوضاع و احوال خاص برای مأموران پیش بینی شد و قانونگذار این اجازه را به آنان داد تا در فرض قرارگرفتن در شرایطی که برشمرده؛ قادر به استفاده از سلاح خویش باشند. از جمله مشکلاتی که مأموران پلیس در حین ماموریت‌ها و به ویژه در جرائم مشهود که با آن مواجه‌اند، نخست نحوه بکارگیری سلاح جهت توقف افراد یا وسایل نقلیه در موقعیت های مختلف و دوم استنباط های گوناگون از قوانین کیفری به جای قانون خاص بکارگیری سلاح است که در مورد انطباق عملکرد مأموران تیرانداز، می‌شود.

بعضاً اینگونه تفاسیر، باعث محکومیت مأموران به مجازات های دیه و یا حتی قصاص شده و شاید ادامه این رویه، باعث تضعیف روحیه کارکنان پلیس و سلب غیر مستقیم اختیار تیراندازی، به سمت متهمین و یا مجرمین شرور و سابقه دار شود. تفاسیرهایی که گاهی به نادرستی، از نحوه عملکرد مأموران در مواقع تیراندازی به سمت افراد و یا خودروها استنباط می‌شود؛ می‌تواند ناشی از ابهام قانون و تفاسیر موسع مقامات قضایی، در شیوه رسیدگی به پرونده های قتل و جرح ناشی از تیراندازی در حین انجام وظیفه باشد. البته مقصود از مراتب مذکور، ترویج تیراندازی بر خلاف مقررات قانونی نیست. در این مقاله سعی شده نحوه عملکرد مأموران نیروهای مسلح با محوریت پلیس در پرونده های تیراندازی بررسی گردد. همچنین نظر به دکترین حقوقی، کاستی های قانون مزبور احصا شده و در پایان پرسش هایی را که ممکن است ذهن خوانندگان را مشغول نماید، در حد امکان پاسخ داده‌ایم.

پیشینه تحقیق



علی افراسیابی (۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان «اختیارات قانونی مأموران پلیس در کاربرد سلاح گرم» بیان داشته است که مأموران پلیس فقط زمانی می‌توانند از سلاح گرم استفاده کنند که جان مأمور یا شهروند بی‌گناه در معرض خطر فوری باشد. در این صورت، آن‌ها باید از فرماندهی ارشد اجازه‌ی تیراندازی بگیرند، مگر اینکه کسب اجازه موجب تشدید خطرات جانی شود. برای کاهش تیراندازی‌های غیر مجاز در پلیس ایران ضروری است مأموریت‌های پلیسی بدون حمل سلاح گرم انجام شود و فقط در برخی استان‌هایی که حوادث تروریستی و حمله مسلحانه به مأموران سابقه دارد، به سلاح گرم تجهیز شوند. حسن غلامی رزینی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان بررسی چالش‌ها و خلاءهای قانونی استفاده از سلاح گرم توسط مرزبانان، ضمن بررسی شرایط و ضوابط استفاده از سلاح، موارد سکوت مقنن، ابهامات و چالش‌های استفاده مرزبانان از سلاح در شرایط مختلف تیراندازی از جمله مناطق عملیاتی درگیر را بررسی نموده‌اند. نجفی توانا و حسینی (۱۳۹۳)، در پژوهشی رویکردها و سیاست جنایی تقنینی مقنن ایران در خصوص بکارگیری سلاح توسط مأموران پلیس را بیان نموده و با کمک نظریه‌ها و مدل‌های سیاست جنایی، به احصای موارد ابهام استفاده از سلاح پرداخته‌اند. اما سوابق به طور کلی به این پژوهش‌ها خاتمه نیافته که برای پیشگیری از اطناب بدان‌ها نمی‌پردازیم.

اهداف تحقیق

قانون بکارگیری سلاح در سال ۱۳۷۳ با شتابزدگی، بی‌استفاده از نظرات کارشناسان ذی‌ربط، بدون شناسایی و در نظر گرفتن نیازها، رعایت مصالح اجتماعی و تغییرات در زمینه‌های مختلف در آینده، به تصویب رسیده است. در حال حاضر، قانون مذکور با توجه به پیدایش اشکال نوین بزهکاری، با نواقص و ابهامات بسیاری مواجه شده که با سیاست جنایی^۱ و اجرایی کشور همخوان نیست. مقنن از سال ۱۳۷۳ تا به حال، نتایج مثبت یا منفی این قانون از جمله تیراندازی در مناطق ممنوع مرزی و مناطق دریایی را بررسی نکرده و آیین‌نامه اجرایی تبصره ۳ ماده ۴ و آیین‌نامه اجرایی تبصره ماده ۱۱ این قانون نیز، بعد از گذشت ۲۶ سال توسط هیأت وزیران، به تصویب نرسیده است. لذا در این مقاله سعی شده است تا با احصای معایب و نواقص موجود در مواد ۳ و ۶ قانون مزبور، در بهبود عملکرد مأموران نیروهای مسلح بخصوص پلیس و سپس ارائه راهکارهایی مناسب برای دچار نشدن آنان در دامان مجازات‌های کیفری ناشی از تیراندازی، گامی مهم برداشته شود.

شناخت اشخاص مشمول قانون بکارگیری سلاح



صرف نظر از ماده 1 قانون بکارگیری سلاح که به احصای نیروهای مسلح مشمول این قانون پرداخته، پایوران ارتش جمهوری اسلامی ایران به موجب بند «ب» ماده 7 قانون ارتش مصوب ۱۳۶۶ و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بر اساس ماده 3 قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران و اساسنامه آن مصوب ۱۳۶۱ به خصوص در مواد ۵ و ۱۷ آن در کنار پلیس، دارای وظیفه انتظامی در استقرار نظم و امنیت می‌باشند. همچنین وفق ماده 1 قانون حمایت قضایی از بسیج مصوب ۱۳۷۱ به این نیرو اجازه داده شده تا در جرایم مشهود و در مواقعی که ضابطان عام در محل حضور ندارند؛ برای حفظ آثار و ادله جرم در محل تا حضور آنان اقدام نمایند. مضافاً اینکه ماموران وزارت اطلاعات نیز حسب تبصره ماده 1 قانون بکارگیری سلاح، در اجرای وظایف و ماموریت‌های محول قانونی خود، مکلف به رعایت این قانون بوده لیکن با این اوصاف و در برخی موارد می‌توان به این نتیجه رسید که قانونگذار در تعیین عنوان قانون مذکور، دقت کافی ننموده است، چرا که در عنوان آن تنها به نیروهای مسلح اشاره نموده و با این اقدام خود، تنها مأمورین نیروهای مسلح که عبارت است از نیروهای لشکری و نظامی می‌باشد را مشمول نموده و این قانون شامل غیر از نیروهای مسلح نمی‌باشد، این در حالی است که افرادی مانند قضات، نمایندگان مجلس، محیط بانان، حراست ادارات، محافظین مقامات رسمی، محافظین خودرو حمل پول بانک‌ها و سایر افراد ذی ربط که جزء نیروهای مسلح نیستند، ولی برای دفاع شخصی از خود یا دیگری و یا اشیاء و اموال محوله شده به آنان با داشتن مجوزات مربوط، حق حمل سلاح و تیراندازی را دارند نیز همین حکم جاری است. البته ممکن است به موجب قوانین خاص، سازمان‌های متبوع افراد موصوف نیز مجوز حمل سلاح و تیراندازی آنان را به این قانون ارجاع نمایند.^۱

اکنون با شناخت مضمولین ق.ب.س، باید گفت که طبق ماده 3 قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹، هدف از تشکیل آن، استقرار نظم، امنیت، تامین آسایش عمومی، فردی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در قلمرو ایران اعلام شده و تقریباً دارای ۲۶ وظیفه محصور می‌باشد. اهم وظایف نیروی انتظامی طبق بند 8 ماده 4 قانون ناجا، عبارتند از: 1- مبارزه با قاچاق. 2- مبارزه با منکرات و فساد. 3- پیشگیری از وقوع جرایم. 4-

۱. مثلاً در ماده ۲۷ دستور العمل خدمتی گارد محیط زیست آمده است: آن دسته از مأمورین سازمان که ضابط دادگستری می‌باشند صرفاً هنگام انجام وظایف قانونی و در اجرای مأموریت‌های محوله برای کشف و تعقیب جرائم مصرح در قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست در شمار نیروهای مسلح موضوع ماده یک «قانون بکارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری» محسوب و در چارچوب موازین دقیق قانون مذکور حق استفاده از اسلحه سازمانی را دارند.



کشف جرایم. 5- بازرسی و تحقیق. 6- حفظ آثار و دلایل جرم. 7- دستگیری متهمین و مجرمین و جلوگیری از فرار و اختفاء آنها. 8- اجرا و ابلاغ احکام قضایی. در کنار این قانون، از ماده 28 تا 63 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ نیز، ضمن احصای ضابطان و شرح وظایف آنان، به ضمانت اجرای عدم توجه به این مقررات نیز پرداخته شده است.

شرایط مأموران پیش از بکارگیری سلاح تعاریف

منظور از بکارگیری؛ «فرایندی است که از زمان کشیدن سلاح (تجرید السلاح) تا شلیک هوایی و شلیک به سمت هدف را شامل می‌شود» (کاظمی فر، ۲۰۱۶). حقوقدانان در تعریف سلاح گفته‌اند: «آلات و ادوات برنده یا سوراخ کننده یا له کننده (چماق و پتک) سلاح دو قسم است: الف- سلاح بالطبع مانند تفنگ و شمشیر و... که هدف اولی از ساختن آن‌ها این است که در نظر عرف به عنوان اسلحه بکار رود. ب- سلاح بالقصد مانند تیغ ژیلت و چکش یا تکه آهنی که انسان آن را در مواردی به طور استثنا به جای سلاح معمولی و متعارف به کار می‌برد با اینکه عرفاً اختصاص به کاری که سلاح به آن اختصاص داده می‌شود، داده نشده است. ماده یک لایحه مجازات حمل چاقو و انواع دیگر اسلحه سرد مصوب ۱۳۳۶ (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰: ۳۶۰).

ماده 1 «آیین‌نامه اجرایی قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۹۲» که پیشتر اشاره کردیم، سلاح گرم «سلاحی است که با استفاده از نیروی گاز باروت (نیروی حاصل از احتراق پیشرانه) یا به صورت دستی مسلح شده^۱ و توانایی پرتاب یک یا چند گلوله را به صورت تک تیر و یا رگبار دارد» و بر 3 نوع است. اشکال تعریف فوق این است که نخست، خود «سلاح» را در آغاز تعریف نکرده، سریعاً به دسته بندی آن پرداخته و در همان ابتدای تعریف گفته «سلاح گرم سلاحی است». این دور موجود در تعریف نابخشودنی است. همچنین در ادامه اصطلاح «مسلح شده» را بکار گرفته که دور را دو چندان می‌کند. بنابراین بهتر است اولاً به جای سلاح در آغاز تعریف از واژگان «وسيله» یا «چیزی» استفاده شده و برای رفع ایراد دوم از عبارت «آماده به کار» بهره ببرند.

شرایط مأموران در بکارگیری سلاح

۱. مسلح: سلاح پوشیده و شمشیر بسته. سلاح دار و صاحب سلاح. باسلاح. با اسلحه. سلاح بر تن راست کرده. آن که سلاح دارد.



بکارگیری سلاح از سوی ضابطان دادگستری در زمان مواجهه با خاطیان، چنانچه بر اساس حکم قانون، در راستای حفظ امنیت و حقوق شهروندان باشد، ضامن سلامت و آرامش جامعه خواهد بود. اما زمانی که اسلحه خارج از مقررات قانونی یا از سوی افرادی که صلاحیت استفاده از آن را ندارند، به کار رود، بدون شک نتیجه آن ترس و ارباب عمومی خواهد بود. اما کارکنان پلیس طبق قانون، باید چه شرایطی را جهت حمل سلاح و به کارگیری آن دارا باشند؟ و آیا در صورت نداشتن شرایط موصوف ضمانت اجرایی وجود دارد؟ ماده 2 ق.ب.س، شرایط ماموران، قبل از اعزام به ماموریت و یا بکارگیری سلاح را احصا کرده است؛ لکن برای نبودن آن، ضمانت اجرایی وجود ندارد. برابر ماده، مأموران باید شرایط زیر را دارا باشند: 1- سلامت جسمانی و روانی متناسب با مأموریت محوله. 2- داشتن آموزش‌های لازم در راستای مأموریت‌های محوله. 3- تسلط کامل در بکارگیری سلاحی که در اختیار آن‌ها گذارده می‌شود. 4- آشنایی کامل به قانون و مقررات مربوط به بکارگیری سلاح. در این ماده ضابطه خاصی برای شناسایی مامور دارای چنین شرایطی وجود ندارد و همین باعث بروز برداشت‌های متفاوت می‌شود. مثلاً در بند اول بیان شده که مامور بایستی از سلامت جسمانی و روانی متناسب با ماموریت برخوردار باشد، در حالی که در ماموریت‌های متنوع پلیسی، چه به عنوان ضابط دادگستری و چه به عنوان ماموران انتظامی، اغلب احراز این شرایط فراموش می‌شود. همچنین بکارگیری غیر تخصصی افراد در برخی ماموریت‌ها (به علت شرایط ویژه و فورس ماژور) مزید بر علت است. مشکل اساسی زمانی است که مامور فاقد سلامت لازم در بکارگیری سلاح، باعث مرگ و یا جرح افراد شود. اگر او در مرحله تحقیقات دادرسی یا دادگاه، مدعی نداشتن سلامت در زمان ماموریت شود، این ادعا توسط دادگاه رد می‌شود. چه اصل را بر داشتن سلامت در زمان ماموریت گذاشته و از آن زمان نیز مستندی که نشان از بیمار بودن مامور باشد، وجود ندارد. بر همین اساس دادگاه‌ها با تکیه بر اصل صحت، ادعای عدم سلامت مامور را رد و اصل را بر سلامت وی می‌گذارند.¹ در این میان به دلیل نبود شرایط و ضابطه معینی برای اخذ تست سلامت تن و روان در آن زمان، متضرر قضیه، مامور خواهد بود و دلیل آن ناتوانی در اثبات عدم مسئولیت کیفری خود و نپذیرفتن فورس ماژور بودن ماموریت‌های محول از سوی دادگاه می‌باشد. در خصوص بند 3 ماده 2 قانون یادشده نیز ایراداتی قابل ذکر است که اغلب مطابق مصاحبات صورت گرفته با کارکنان پلیس به دست آمده. بر این اساس، هرچند قانونگذار در این بند، به تسلط کامل مامور به سلاحی که جهت ماموریت به وی محول شده به درستی اشاره نموده، اما مشکل اساسی جایی است که کارکنان اعم از وظیفه و پایور، با توجه به نواقص موجود در

1. یکی از شاخه‌های اصل صحت در علم اصول، اصل صحت در عمل دیگران است بدین معنا که باید رفتار و گفتار دیگران را حمل بر صحت کرد، هرچند در مورد زمان اجرای این قاعده اختلاف نظر وجود دارد (محمدی، 239، 1380-240)



سلاح که اغلب ناشی از پیشرفته نبودن اسلحه، ناکارآمدی، کهنگی و متناسب نبودن با ماموریت است؛ دچار مشکلات فراوان می‌شوند. (نجفی توانا و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۸). همچنین عدم تخصیص سلاح به صورت فردی و ثبت اسلحه به نام شخص در اداره مربوط، یکی دیگر از شکوه‌های آنان است. بدین ترتیب اگر افراد از زمان ورود به اداره، اسلحه شخصی تحویل گرفته و ماموریت‌هایشان را با همان اسلحه در زمان خدمت انجام دهند، به اصطلاح، "قلق اسلحه" را به دست گرفته و بهتر می‌توانند از آن استفاده نمایند. به علاوه در مواردی که ضرورت تیراندازی احساس شود، باید ابتدا اقدامات پیش نیاز برای مهار فرد را انجام داده و سپس اقدام به تیراندازی نمایند. مشخصاً لازمه این امر وجود تجهیزاتی است که از قدرت متناسب برخوردار بوده و به ندرت کشته یا غیرکشنده باشد. فقدان این تجهیزات موجب بکارگیری سلاح تقریباً در همه موارد است. بنابراین فقدان چنین مقرراتی برای الزام سازمان پلیس جهت تجهیز ماموران به سایر ابزارهای دفاعی و جدید و بروز، موضوعی است که در قانون بکارگیری سلاح مغفول مانده و لازم است این مهم در قالب ماده‌ای قانونی گنجانده شود. (نشست‌های، سازمان قضایی، ۱۳۸۷).

موارد مجاز بکارگیری سلاح توسط ماموران

چرایی به کارگیری و حمل سلاح توسط ماموران برای استقرار نظم و امنیت، جلوگیری از فرار، توقف و دستگیری متهم یا مجرمین است، نه سلب حیات افراد. برابر همین قانون، ماموران مجاز به حمل سلاح، ملزم به رعایت شرایط خاص و ضروری که تعیین شده، هستند؛ در غیر این بایستی متحمل کیفر اعمال خود شوند. لذا با تأکید بر اینکه قانونگذار به هیچ ضابطی اجازه استفاده بی‌مورد از سلاح را نداده، اما نحوه بکارگیری آن را بر مبنای روش علمی بیان نکرده است. حتی در این قانون طریقه تیراندازی در شرایط و نقاط مختلف عملیاتی و درگیری به روشنی تعیین نشده است. (نجفی توانا و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۶) پس در این بخش به نواقص و چالش‌های مرتبط با تیراندازی به سمت افراد پیاده و سواره، موضوع مواد 3 و 6 قانون، می‌پردازیم.

تیراندازی به سمت افراد پیاده

برابر بند‌های ده گانه ماده 3 ق.ب.س، مامورین در مواردی حق بکارگیری سلاح به سمت افراد پیاده را دارند که: 1- برای دفاع از خود در برابر کسی که با سلاح سرد یا گرم به آنان حمله نماید. 2- برای دفاع از خود در برابر یک یا چند نفر که بدون سلاح حمله می‌آورند ولی اوضاع و احوال طوری باشد که بدون بکارگیری سلاح مدافعه شخصی امکان نداشته باشد. 3- در صورتی که مأمورین مشاهده کنند که یک یا چند نفر مورد حمله واقع شده و جان آنان در خطر است. 4- برای دستگیری سارق و قاطع‌الطریق و کسی که اقدام به ترور و یا تخریب و یا انفجار نموده و در حال فرار باشد. 5- در موردی که شخص بازداشت شده یا زندانی از بازداشتگاه یا زندان و یا در حال انتقال فرار نماید، از اقدامات دیگر برای دستگیری و یا توقیف وی استفاده



کرده و ثمری نبخشیده باشد. 6- برای حفظ اماکن انتظامی (قبیل مرکز فرماندهی، ستاد، پاسگاه، پایگاه، انبار سلاح یا مهمات و مرکز آموزشی). 7- برای حفظ سلاحی که جهت انجام مأموریت در اختیار آنان می‌باشد. 8- برای حفظ اماکن طبقه‌بندی شده بویژه اماکن حیاتی و حساس در مقابل هرگونه هجوم و حمله جهت ترور، تخریب، آتش‌سوزی، غارت اسناد و اموال، گروگان‌گیری و اشغال. 9- برای جلوگیری و مقابله با اشخاصی که از مرزهای غیر مجاز قصد ورود و یا خروج را داشته و به اخطار مأمورین مرزبانی توجه نمی‌نمایند. 10- برای حفظ تأسیسات، تجهیزات و اماکن نظامی و انتظامی و امنیتی.

تبصره ۱: در موارد فوق در صورت اقتضای شرایط، اخطار قبلی الزامی است. تبصره ۲: نیروهای مسلح در مواردی که در چهارچوب بندهای مذکور مأموریت داشته باشند، مجاز به استفاده از سلاح می‌باشند. تبصره ۳: مأمورین مسلح در کلیه موارد مندرج در این قانون در صورتی مجازند از سلاح استفاده نمایند که اولاً چاره‌ای جز بکارگیری سلاح نداشته باشند، ثانیاً در صورت امکان مراتب: الف. تیر هوائی ب. تیراندازی کمر به پایین ج. تیراندازی کمر به بالا را رعایت نمایند.

اما در این میان هریک از بندهای ذکر شده به طریقی دارای نواقص، اشکالات و ابهاماتی است که در ادامه به تشریح آن‌ها به صورت موضوعی می‌پردازیم:

تیراندازی در موارد دفاع مشروع

همان گونه که از بند اول، دوم و سوم ماده 3 ق.ب.س ملاحظه می‌گردد، تجویز بکارگیری سلاح توسط ماموران، زمانی است که برای دفاع از خود یا دیگری، به ناچار از سلاح استفاده نمایند. بدیهی است مامور باید بداند، دفاع چه شرایطی دارد تا بکارگیری سلاح توسط وی، قانونی تلقی گردد. به موجب ماده ۱۵۶ ق.م.ا، شرایط دفاع مشروع، عبارتند از: الف- رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد. ب- دفاع مستند به قرائن معقول یا خوف عقلایی باشد. پ- خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد. ت- توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود.

تبصره ۱- دفاع از نفس، ناموس، عرض، مال و آزادی تن دیگری در صورتی جایز است که او از نزدیکان دفاع کننده بوده یا مسئولیت دفاع از وی برعهده دفاع کننده باشد یا ناتوان از دفاع بوده یا تقاضای کمک نماید یا در وضعیتی باشد که امکان استمداد نداشته باشد.

تبصره ۲- هرگاه اصل دفاع محرز باشد ولی رعایت شرایط آن محرز نباشد اثبات عدم رعایت شرایط دفاع برعهده مهاجم است.



تبصره ۳- در موارد دفاع مشروع، دیه نیز ساقط است. جز در مورد دفاع در مقابل تهاجم دیوانه که دیه از بیت- المال پرداخت می‌شود.

نکته بعد در تکمیل این ماده، ماده ۱۵۷ق.م.ا است که ماموران بایستی با لحاظ شرایط مذکور در آن، اقدام به بکارگیری سلاح نمایند.

برابر ماده ۱۵۷ق.م.ا: « مقاومت در برابر قوای انتظامی و دیگر ضابطان دادگستری در مواقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشند، دفاع محسوب نمی‌شود. لکن هرگاه قوای مزبور از حدود وظیفه خود خارج شوند و حسب ادله و قرائن موجود خوف آن باشد که عملیات آنان موجب قتل، جرح، تعرض به عرض یا ناموس یا مال گردد، دفاع جایز است.»

اکنون با دقت در مواد ۱۵۶ و ۱۵۷ و توجه به عبارات آن،^۱ ماموران باید بدانند، زمانی در محاکم می‌توانند به موضوع دفاع مشروع استناد نمایند که کلیه شرایط مذکور رعایت شده باشد. ولی مشکلی که ماموران پس از تیراندازی و آن هم در محاکم با آن روبرو هستند، اثبات اصل دفاع است. به عنوان مثال، در پرونده هایی که ماموران به دفاع مشروع توسل می‌جویند، باید ضرورت دفاع را ثابت کنند. به عبارتی؛ باید ثابت شود که خطر تهاجم غیر قانونی، قریب الوقوع، یا در صورت وقوع، غیر قابل دفع به شکلی غیر از بکارگیری سلاح بوده که در صورت دفع نکردن آن؛ جان خود و سایرین به خطر می‌افتاده و نهایتاً ثابت شود که دفاع با نوع تهاجم تناسب داشته است. به عنوان نمونه، وقتی فردی به مأمور با مشت و لگد حمله کند، مأمور نمی‌تواند در برابر این عمل مهاجم؛ بدون مقدمه و اولاً تیراندازی کند. بلکه باید ابتدا و در همان لحظه نوع خطر، ضرورت دفاع و تناسب خطر با دفاع را بررسی کرده؛ ثانیاً از طرق دیگر مانند: دفاع شخصی، استفاده از افشانه و غیره، دفع خطر شود. نهایتاً در پایان به عنوان آخرین راهکار مستند به تبصره ۳ ماده ۳ قانون؛ از اسلحه استفاده نمایند. یا مثلاً هنگامی که ماموران ۱۱۰ یا پلیس پیشگیری، در پی استمداد مردم، در محل حادثه حاضر می‌شوند، باید ثابت نمایند که نخست مستند به تقاضای فرد مورد تهاجم، مشهود انگاشتن جرم و ناتوانی خود و فرد از دفاع در برابر مهاجم؛ اقدام به تیراندازی نموده است. با این اوصاف، قانونگذار در تبصره ۲ ماده ۳، با لحاظ ضابطیت ماموران، شرایط را سهل نموده و در صورت محرز بودن اصل دفاع اثبات عدم رعایت شرایط دفاع را برعهده مهاجم واگذارده.

تیراندازی در جرایم مشهود

برابر بند ۴ ماده ۳ ق.ب.س، مامورین برای دستگیری سارق و قاطع الطریق و کسی که اقدام به ترور و یا تخریب و یا انفجار نموده و در حال فرار باشد حق بکارگیری سلاح دارند. لذا ماموران تنها زمانی می‌توانند به

۱. ضرورت، توسل به قوای دولتی، ناتوان از دفاع، تقاضای کمک، اثبات عدم رعایت شرایط دفاع برعهده مهاجم، دیه نیز ساقط



سمت متواری^۱ شلیک کنند که ۱) آثار و علائم جرائم ذکر شده در محل بصورت «مشهود» برابر ماده ۴۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۹۲ باشد.^۲ ۲) فرد پس از رویت ماموران، متواری شود. واپسین نکته، حصری بودن جرائم مذکور در آن است. به عبارتی، ماموران تنها در صورت رویت فردی که مرتکب جرم سرقت، راهزنی، ترور مقامات، تخریب اموال عمومی (و نه خصوصی) و انفجار به هر شکل به قصد مقابله با نظام شده و در حال فرار باشد؛ اما نکته ای که در این میان باید بدان توجه داشت و ماموران پلیس نیز باید در آن تدقیق بسیار نمایند این است که در کلیه جرائم مشهود حق بکارگیری سلاح را ندارند بعنوان مثال بند (چ) ماده ۴۵ ق.آ.د.ک که ولگرد را ضمن تعریف بعنوان افرادی قرار داده که ضابطین به محض رویت وی و بدون انتظار انجام هرگونه فعلی و به صرف حضور در محل می توانند بازداشت نمایند را نمی توانند از موارد مشمول ماده قرار داد؛ چه قانونگذار بر اساس اصل آزادی افراد، اصل برائت و اصل صحت اعمال مسلمین، هیچ گاه عنوان متهم را به طور موسع تعریف ننموده و در قانون اشاره ای به ولگرد یا «مظنون»^۳ نرفته است. بر همین اساس، پلیس نباید هر فردی را که مظنون به ارتکاب جرم باشد متهم قلمداد نموده و نسبت به تیراندازی به سمت وی و دستگیری اقدام نماید. زیرا اقدام آنان قطعاً غیر قانونی تلقی می گردد.^۴

حال ماموران پلیس ممکن است از طریق اطلاع مردمی (یعنی مجوز مقیود در تبصره ۱ ماده ۴۵ ق.آ.د.ک) و یا گزارش مرکز ۱۱۰ خبری به ماموران پلیس واصل گردد که فردی در حال تخریب خودروهای پارک شده در

۱. متواری تازی است یعنی نهان گشته فراری (دهخدا، ذیل همین واژه)

۲. ماده ۴۵- جرم در موارد زیر مشهود است: الف- در مرئی و منظر ضابطان دادگستری واقع شود یا مأموران یادشده بلافاصله در محل وقوع جرم حضور یابند و یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند. ب- بزهدیده یا دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده اند، حین وقوع جرم یا بلافاصله پس از آن، شخص معینی را به عنوان مرتکب معرفی کنند. پ- بلافاصله پس از وقوع جرم، علائم و آثار واضح یا اسباب و ادله جرم در تصرف متهم یافت شود و یا تعلق اسباب و ادله یادشده به متهم محرز گردد. ت- متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، قصد فرار داشته یا در حال فرار باشد یا بلافاصله پس از وقوع جرم دستگیر شود. ث- جرم در منزل یا محل سکنای افراد، اتفاق افتاده یا در حال وقوع باشد و شخص ساکن، در همان حال یا بلافاصله پس از وقوع جرم، ورود مأموران را به منزل یا محل سکنای خود درخواست کند. ج- متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، خود را معرفی کند و وقوع آن را خبر دهد. چ- متهم ولگرد باشد و در آن محل نیز سوء شهرت داشته باشد. تبصره ۱- چنانچه جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون به صورت مشهود واقع شود، در صورت عدم حضور ضابطان دادگستری، تمام شهروندان می توانند اقدامات لازم را برای جلوگیری از فرار مرتکب جرم و حفظ صحنه جرم به عمل آورند. تبصره ۲- ولگرد کسی است که مسکن و مأوای مشخص و وسیله معاش معلوم و شغل یا حرفه معینی ندارد

۳. گمان برده شده است. ولی گاهی آن را به معنی گمان برنده یعنی بجای ظان استعمال کنند. (نشریه دانشکده ادبیات تبریز سال ۲ شماره ۱)

۴. در این باب و به طور کلی رعایت قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی لازم است و ماموران بایستی بر حسب وظیفه از آن آگاه باشند.



خیابان است و پس از حضور ماموران؛ تخریب کننده فرار نماید. حال آیا با این اوصاف پلیس می تواند به سمت وی، به دلیل تخریب تعداد کثیری از خودروهای شهروندان، تیراندازی نماید؟

در پاسخ به این سوال و سایر وجوه مشابه باید گفت خیر؛ حق تیراندازی ندارد. چه با توجه به نص قانون، تنها تخریب اموال عمومی^۱ یا دولتی^۲ که جرمی غیر قابل گذشت بوده مشمول این بند می باشد. توجه به این نکته بسیار حائز اهمیت است، زیرا با وجود احصای جرایم مذکور به صورت عام در بند ۴، در نگاه اول شاید این ذهنیت ایجاد گردد که عنوان «تخریب» مشمول سایر عناوین مجرمانه در قانون مجازات مانند «تخریب اموال و اماکن تاریخی» و «تخریب اموال شخصی» اعم از حقیقی و حقوقی نیز می باشد.^۳ حال آنکه در رویه این چنین نیست و متأسفانه به دلیل ذکر این جرم در کنار جرایمی مانند ترور و انفجار که در این جرایم، قصد مقابله با نظام، مد نظر است؛ دادگاه ها فرض می کنند که در این ماده عنوان تخریب، صرفاً برای اموال دولتی مصداق دارد. لذا این استنباط باعث تفسیر های نادرست دادگاه ها شده که غالباً با محکومیت ماموران، همراه است. گفتنی است در جامعه شناسی نیز به تخریب اموال فرهنگی و عمومی در مبحث وندالیسم^۴ پرداخته و از اهمیت آن به عنوان یک ناهنجاری فراگیر اجتماعی سخن رانده اند.

تیراندازی به سمت افراد بازداشتی، زندانی و تحت نظری

۱. اموال یا مشترکات عمومی به اموالی گفته می شود که جهت مصلحت عموم مردم و برای استفاده آحاد مردم اختصاص داده شده اند مانند: بیل ها، موزه ها و معابر و دولت تنها مدیریت این اموال را بر عهده دارند؛ به عبارتی دقیق تر اموال عمومی برخلاف دو نوع دیگر اموال که تحت مالکیت اختصاصی اشخاص اعم از حقوقی یا حقیقی هستند، دارای مالک خاص نیستند. ویژگی همه اموال عمومی چه آن هایی که از ابتدا عمومی بوده اند و چه آن هایی که به ناحق خصوصی شده و دیگر بار عمومی شده و چه اموالی که برهه ای خصوصی بوده اند؛ اما بنا به دلایلی مشروع مانند ملی شدن، به اموال عمومی بازگشته اند (پبله وار، 1392: 11)
۲. ماده ۲ آیین نامه اموال دولتی - "اموال دولت": اموالی است که توسط وزارتخانه ها، مؤسسات و یا شرکت های دولتی خریداری می شود یا به هر طریق قانونی دیگر به تملک دولت درآمده یا در می آید.
۳. منظور عنوان تخریب ذکر شده در موادی مانند 558، 677، 689، 690، 687 از قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم تعزیرات است.
۴. وندالیسم (به فرانسوی: Vandalisme) یا وندالیسم (به انگلیسی: Vandalism) به معنای تخریب کنترل نشده اشیاء و آثار فرهنگی با ارزش یا اموال عمومی است که یک ناهنجاری اجتماعی به حساب می آید و دلایل متعددی برای آن عنوان می کنند. وندالیسم را در زمره انحرافات و بزه کاری های جوامع جدید دسته بندی کرده و آن را عکس العملی خصمانه و واکنشی کینه توزانه نسبت به برخی از فشارها، تحمیلات، ناملایمات، اجحاف ها و شکست ها تحلیل می کنند. یکی از ناهنجاری ها گرایش جوانان به تخریب است، که در نوع خود می تواند شامل تخریب اموال عمومی، فضای سبز، جاده ها، دیوارها، و... باشد. کسی را که دست به چنین کارهایی می زند در اصطلاح جامعه شناسان «وندال» می گویند، و گرایش به این گونه تخریب ها وندالیسم نامیده می شود. (ویکی پدیا، وندالیسم)



بر اساس بند 6 ماده 3 ق.ب.س مامورینی که مشاهده نمایند شخص بازداشت شده یا زندانی از بازداشتگاه یا زندان و یا در حال انتقال فرار نمایند و از اقدامات دیگر نیز برای دستگیری و یا توقیف وی استفاده کرده و ثمری نبخشیده باشد می‌توانند به سمت وی تیراندازی نمایند. بر اساس ماده 1 «آیین نامه اجرایی تبصره بند (5) ماده (3) ق.ب.س، مصوب ۱۳۸۱»، بازداشتی «به کسی اطلاق می‌گردد که طبق قوانین و مقررات تا اتخاذ تصمیم نهایی در بازداشتگاه نگهداری می‌شود». بازداشتگاه «محل نگهداری موقت متهمانی است که طبق قوانین و مقررات تأسیس و اداره می‌گردد» و وفق «آیین نامه نحوه ایجاد، اداره و نظارت بر بازداشتگاه های انتظامی مصوب ۹۱» که موخر بر آیین نامه قانون بکارگیری سلاح است، تعریف بازداشتگاه که 2 قسم شده، چنین است: «بازداشتگاه عمومی - محل نگهداری متهمانی است که با قرار کتبی مقام های صلاحیتدار قضایی تا اتخاذ تصمیم نهایی به آنجا معرفی می‌شوند... ج - بازداشتگاه انتظامی - بازداشتگاهی است که در اجرای وظایف ضابطیت نیروی انتظامی برابر شرایط و مقررات این آیین نامه در اماکن در اختیار نیروی انتظامی ایجاد شده یا می‌شود»^۱ همچنین تحت نظرگاه «مکانی است که متهمان حسب مورد به دستور مقام قضایی یا در جرایم مشهود به موجب قانون بر اساس گزارش کتبی ضابطان و مقامات ذیصلاح قانونی تا تسلیم به مقام قضایی و حداکثر تا مدت 24 ساعت در آن محل نگهداری می‌شوند.» و چون تعریفی از زندان در آیین نامه اخیر نیامده، بنابراین وفق آیین نامه اجرایی قانون بکارگیری سلاح؛ بالاخره زندان «محلی است که در آن محکومان قطعی با معرفی مقامات ذی صلاح قضایی و قانونی برای مدت معین یا به طور دائم به منظور اصلاح و تربیت و تحمل کیفر نگهداری می‌شوند». بنابراین ماموران پلیس باید بدانند که منظور از "بازداشتگاه"، با توجه به تعریف بالا، در واقع بازداشتگاه های رسمی پلیس و یا بازداشتگاه های رسمی سازمان زندان ها می‌باشد. پس به کار بردن لفظ بازداشتگاه برای محل نگهداری متهمین در کلانتری و پاسگاه اشتباه بوده و صحیح آن، "تحت نظرگاه" است که تیراندازی به سمت متهم در حال فرار از تحت نظرگاه با توجه به نص قانون، خلاف مقررات تشخیص داده خواهد شد. همچنین در مواردی که ماموران پلیس به عنوان انتقال دهنده و یا بدرقه کننده متهم و یا مجرم، انجام وظیفه می‌کنند؛ تنها در صورتی که فرد بازداشتی و یا زندانی در حین انتقال به محل هایی از جمله: مرجع قضایی، مقر پلیس، زندان و یا بازداشتگاه محل دیگر در همان استان و یا استان دیگر فرار نماید، بایست تمامی اقدامات لازم جهت دستگیری و متوقف نمودن وی را انجام داده و تنها در صورتی که اقدامات اولیه بی نتیجه بماند، با رعایت ترتیبات لازم، نسبت به تیراندازی به سمت وی اقدام نماید. نکته قابل ذکر این است که در

۱. لازم است بدانید که برای برخی جرایم بازداشتگاه و مقررات خاصی وجود دارد نک به: آیین نامه اجرایی ایجاد و اداره



برخی تیراندازی‌ها ماموران، مدعی فرار فرد بازداشتی و یا زندانی می‌شوند. لکن بر اساس نظریات پزشکی قانونی و کارشناسان سلاح مشخص می‌شود که گلوله از سمت جلو به فرد شلیک شده و ماموران دچار چالش می‌گردند. لذا ماموران باید تمامی شرایط محل فرار، به ویژه تاریکی هوا، ناهمواری سطح زمین، وسعت محل و فاصله مناسب برای شلیک به سمت متهم را مدنظر قرار دهند. همچنین حالات متهم یا زندانی حین فرار را در نظر گرفته تا بتوانند به نحوی فراری بودن متهم را توجیه نمایند. در غیر این صورت ممکن است ادعای ایشان توسط مراجع قضایی رد شده و تیراندازی آنان بر خلاف مقررات تشخیص گردد.^۱

عابرین از مرزهای غیر مجاز

با توجه به اینکه در نقاط مختلف کشور از جمله مناطق ممنوعه مرزی به دلیل شرایط جغرافیایی دسترسی آسان به خاک کشور مقابل، حمایت اشرار از خاطیان و... امکان رعایت شرایط قانون بکارگیری سلاح وجود ندارد، در این شرایط تکلیف ضابطان مشخص نیست. (غلامی رزینی و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۱)، مثلاً در مواردی که محکومین قطعی به جرایم سنگین از زندان گریخته و در مناطق کوهستانی که گذر از آنها دشوار است. اولاً آیا مجوز تیراندازی به سمت افراد وجود دارد؟ ثانیاً اگر مجوزی به موجب ق.ب.س وجود دارد چگونه در آن شرایط می‌توان مقررات تیراندازی از کمر به پایین و... را رعایت کرد؟ گفته شده که مامور نباید به بهانه نجات یک انسان یا احتمال فرار خاطی به کشور مقابل، جان یک انسان را از او بگیرد و همچنین مامور باید با رعایت شرایط گفته شده تیراندازی نماید این صحیح است اما با توجه به شرایط مختلف و متنوع عملیات‌های پلیسی در حفاظت از مزره‌های زمینی و دریایی، به عنوان حافظان مرزهای کشور در پلیس مرزبانی، چالش‌های بسیاری دیده می‌شود و این موضوع، ضمن اینکه موجب سردرگمی در انجام ماموریت‌های ضابطان شده، اثرات نامطلوبی نیز بر جامعه و اذهان عمومی از عملکرد پلیس داشته است. در بند ۹ ماده ۳ قانون بکارگیری سلاح به مجوز تیراندازی ماموران پلیس به سوی افرادی که از مرزهای غیر مجاز، قصد ورود و یا خروج را داشته و به اخطار مأموران مرزبانی توجه نمی‌نمایند اشاره شده است با توجه به بند ۳ ماده ۱۵ قانون ورود و اقامت اتباع خارج در ایران، اصلاحی ۱۳۶۷، «هر کس عمداً بدون داشتن اسناد و جواز لازم از مرز ایران عبور کند و همچنین هر کس که از راه‌های غیرمجاز و یا مرزهای ممنوعه عبور نماید»، قابل تعقیب و مجازات می‌باشد.

۱. بدیهی است این شرایط در تمامی تیراندازی‌ها مدنظر قرار گیرد. در قسمتی از ماده ۳۳ آیین‌نامه اجرائی سازمان زندانها آمده است: «...اگر زندانی مبادرت به فرار نماید نگهبان موظف است ضمن استمداد از اطرافیان با تمام توان او را تعقیب نموده و چنانچه با بکار بردن تلاش‌های ممکن موفق به دستگیری او نشود سه مرتبه با صدای بلند و رسا ایست داده هرگاه باز هم توقف ننمود، با رعایت اطراف و جوانب و توجه به اینکه باعث قتل یا جرح کسی نگردد با استفاده از اسلحه و خالی کردن تیر هوایی و در مقام ناچاری با نشانه‌گیری ساق پای زندانی از فرار او جلوگیری نماید...»



افزون بر این به موجب ماده ۳۴ قانون مجازات عبور دهندگان اشخاص غیرمجاز از مرزهای کشور مصوب ۱۳۶۷، «هر ایرانی که بدون گذرنامه یا اسناد در حکم گذرنامه از کشور خارج شود، به حبس از 1 تا 2 سال یا پرداخت جزای نقدی از یکصد هزار تا پانصد هزار ریال محکوم خواهد شد.» با اندکی دقت در بند ۹ ماده ۳ق.ب.س و همچنین ماده ۶ که پیرامون متوقف نمودن وسایل نقلیه بحث مینماید، می توان به این نتیجه مهم و شائبه دار رسید که به دلیل ذکر بند ۹ ذیل ماده ۳، منظور مقنن در واقع، افراد پیاده ای است که در حال عبور و یا ورود غیر مجاز به مرزهای کشور میباشند و این مقرر مشمول افراد سوار بر وسایل نقلیه نمیگردد. در فرضی که کسی قصد عبور از مرزهای غیرقانونی را دارد، از آنجایی که صرف عبور به معنای وقوع جرم بوده و شروط مندرج در تبصره 2 و شق اول تبصره 3 ماده 3 برای مرزبان، پیوسته مفروض بوده، لذا تنها چیزی که درباره مرزبان لازم به رعایت میماند؛ تیراندازی از کمر به پایین است و این شرط هم حسب اوضاع و احوال، گاه خارج از حیطه اراده او قرار میگیرد. در عمل نیز مرزبان همواره به عابر پیش از رسیدن به خط مرزی اخطار داده و اگر وی تسلیم نشود، شلیک می کند.

تیراندازی برای حفاظت از تأسیسات و تجهیزات

در بند ۱۰ ماده ۳، به تیراندازی در راستای حفظ تأسیسات و تجهیزات و اماکن نظامی و... اشاره دارد. در واقع این بند شامل محل استقرار نیروهای مسلح، محل نگهداری سلاح و مهمات، اسناد طبقه بندی شده نظامی، انتظامی و امنیتی میباشد. البته در ارتباط با پلیس، در صورتی که مقرهای انتظامی پلیس از جمله کیوسک، پاسگاه، کلانتری، ستاد فرماندهی و همچنین تأسیسات آنان مثل دکل های مخابراتی و یا انبارهای نگهداری سلاح و مهمات به شرط مستقر بودن در مقرهای مذکور، به قصد تخریب و براندازی آن مورد تعرض و حمله قرار گیرد، مأموران برای حفظ و صیانت از موارد برشمرده، مجاز به بکارگیری سلاح با رعایت موازین قانون و شرط ضرورت می باشند. نکته قابل توجه و مبهم در این بند، احصا نکردن تجهیزات و یا تأسیسات نظامی - انتظامی و ارائه نکردن تعریفی از این اصطلاحات می باشد. بنابراین در صورتی که مفهوم آن را عام و شامل کلیه تجهیزات و تأسیسات بدانیم؛ متأسفانه میتوان نتیجه گرفت اگر در یک درگیری مأمور باتوم^۲ خود را که جهت دفاع در اختیار دارد (و از لحاظ مادی دارای ارزش ناچیزی است) از دست بدهند، باز هم مجاز به بکارگیری سلاح می باشد. اما نباید چنین برداشت کرد زیرا علی رغم مسامحه قانونگذار در موارد برشمرده شده، باید به

۱. قانون مجازات عبور دهندگان اشخاص غیر مجاز از مرزهای کشور و اصلاح بعضی از مواد قانون گذرنامه و قانون ورود و اقامت

اتباع خارجه در ایران

۲. وسیله کوتاه و باریک چوبی یا فلزی یا پلاستیکی که مأموران پلیس یا نگهبانان از آن به عنوان سلاح استفاده می کنند (دهخدا، علی

اکبر، ذیل همین واژه)



این نکته توجه داشت که ماموران حتماً بایست میان فعل صورت گرفته توسط متهم یا مهاجم و تیراندازی خود تناسب برقرار نموده و در صورت تشخیص ضرورت، تیراندازی کنند. به عبارتی باید شرایط را اینگونه بسنجند که آیا برای مقابله با از دست دادن این تجهیزات یا تاسیسات نیاز به بکارگیری سلاح می باشد یا خیر؟ آیا ارزش از دست دادن مثلاً باتوم برابر با جرح یا فوت یک انسان است؟

تبصره ۳ ماده ۳ قانون بکارگیری سلاح دو شرط را در تیراندازی مقدم می داند. یعنی مامور پلیس در مواجهه با فرد مورد نظر باید اولاً چاره‌ای جز بکارگیری سلاح نداشته باشد، ثانیاً در صورت امکان مراتب الف. تیر هوایی ب. تیراندازی کمر به پایین ج. تیراندازی کمر به بالا را رعایت نمایند. به عبارتی، این تبصره به این موضوع اشاره دارد که مامور تمام اقدامات لازم جهت دستگیری فرد را انجام داده باشد؛ لکن منتج به دستگیری نگردد که درین فرض بکارگیری سلاح در موضوع مصداق پیدا می کند. اما با لحاظ این نکته که باید بر اساس اصل احتیاط و ضرورت، ترتیبات بعدی (تیرهوایی، کمر به پایین، کمر به بالا) را انجام دهد. منظور از عبارت "در صورت امکان" در بند دو تبصره ۳، این است که اگر رعایت ترتیبات در این تبصره، باعث فوت وقت، فرار فرد، آسیب به مامور یا سایرین، مقر و یا تجهیزات و تاسیسات پلیس شد؛ در این موارد با در نظر گرفتن شرایط خطر؛ نوع جرم و توجه به اصول تناسب، ضرورت و احتیاط، بدون رعایت ترتیبات به سوی فرد تیراندازی گردد.

منظور از فرد متواری

در دکترین حقوقی تعریفی از فرار ارائه شده که میتوان با استنباط از آن، ملاکی برای شناسایی متواری یا فراری لحاظ شود. پس گفته اند: «فرار محبوس: عناصر این جرم عبارت است از: محبوس باید قانوناً حبس شده باشد (در زندان یا اماکنی مانند آن). ب- حبس برای جرم جنایی یا جنحه باشد نه برای خلاف و یا حبس برای پرداخت دین و محبوسین جنگ که مشمول جرم بالا نیستند. ج - محبوس از اماکن موقت یا غیر موقت نگهداری زندانیان خارج شود. د- عامد باشد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۰: ۴۹۶)

مطابق این تعریف اگر کسی محبوس در زندان یا بازداشتگاه باشد، چون عنوان متواری یا فراری بر او صدق می کند؛ میتوان به سمت وی تیراندازی کرد. مشروط بر این که نخست، جرم یا اتهام وی مشمول جرایم درجه یک تا پنج موضوع ماده ۱۹ق.م.ا مصوب ۹۲ باشد.^۱ دوم، متواری عامد باشد و نهایتاً از اماکن یاد شده گریخته باشد. هرچند این تعریف در بیان «فرار محبوس» است و نه کسی که حتی دستگیر هم نشده، اما ملاک خوبی برای تشخیص متواری بوده و میتوان با افزودن فرض دیگری که پیشتر مطرح شد، تعریف روشنی از آن در اصلاحات

۱. باید متوجه بود که در مورد محکومیت های مالی مانند نفقه همسر و یا چک پرداخت نشده، تیراندازی نابخردانه است.



بعدی ق.ب.س به دست داد. اما پرسش در فرضی است که متهم از جلوی درب دادسرا و یا از داخل ساختمان دادسرا و به طور کلی دادگستری بگریزد، آیا مجوزی برای شلیک به وی وجود دارد؟ پاسخ منفی است. زیرا پس از تحویل متهم به دادسرا دیگر مسئولیت وی بر عهده پلیس نیست.

تیراندازی به سوی وسایل نقلیه

منظور از وسایل نقلیه

در تمام موارد فوق، ق.ب.س ساکت بوده و تنها راه برای تطبیق موارد تیراندازی با قانون، قیاس رفتار ارتكابی تیرانداز با کلیات حقوق جزا و یا عموماً ق.ب.س می‌باشد. این کاستی قانونی به قدری مهم است که در این فروض، دادگاه‌ها، وکلا و حتی طرفین قضیه به چالش ژرفی می‌افتند. مثلاً در جرایم مرتبط با مواد مخدر هنگامی که پلیس در تعقیب خودروی حامل مواد مخدر است یا در مناطقی که کاروان‌های حامل مواد مخدر و کالای قاچاق وجود دارند آیا می‌توان با وجود اطلاعات موثقی که برای پلیس مخابره شده، پیش از آنکه این افراد متواری شده یا زودتر از پلیس شلیک کنند، مأموران برای متوقف کردن کاروان تیراندازی نمایند؟^۱ بدیهی است اگر تعریف وسیله نقلیه را آن قدر بگستریم که حیوان، داخل در تعریف آن بگنجد، در این فرض می‌توان گفت مأموران حق تیراندازی به وسیله (نه مستقیم به افراد) را حسب ماده ۶ خواهند داشت. اما اگر حیوان حامل مواد درون تعریف وسیله نقلیه ندانیم؛ پس حق تیراندازی به سمت کاروان وجود ندارد. مگر آنکه ابتکار تیراندازی را کاروانیان به دست گرفته و سپس پلیس در مقام دفع خطر بر بیاید. به گمان ما اگر بخواهیم برای پرهیز از برداشت‌های گوناگون و رفع کاستی در فروضی که حامل مواد حیوان است، گامی برداریم؛ بهتر است به جای واژه "وسيله نقلیه" که همواره چیزی غیر از حیوان را به ذهن متبادر می‌کند، از واژه "حامل مواد مخدر" و یا عبارت کلی "هر چیزی که حامل.... باشد" در اصلاحات بعدی استفاده شود.^۲

شرایط تیراندازی به سوی وسایل نقلیه

به موجب ماده ۶ ق.ب.س، تیراندازی به سوی وسایل نقلیه^۳ به منظور متوقف ساختن آنها توسط مأموران در موارد زیر مجاز است:

۱. البته این فرض هم در وضعی که پلیس هوانا جا دست به کار شده و هم نیروی زمینی مثلاً از قبل کمین کرده، در هر دو صورت متصور است.

۲. مثلاً اینگونه: "هر چیزی که حامل اموال مسروقه، مواد مخدر، افراد متواری، کالای قاچاق و یا به طور غیر مجاز حامل سلاح و مهمات باشد"

۳. وسیله نقلیه یا وسیله جابجایی به وسیله‌ای گفته می‌شود که برای ترابری افراد یا بارها طراحی شده و به کار می‌رود. وسیله نقلیه شامل گاری، دوچرخه، وسیله موتوری (موتورسیکلت، خودرو، کامیون، اتوبوس)، ترابری ریلی (قطار و تراموا)، شناور (کشتی، قایق)، وسیله



الف: در صورتی که وسیله نقلیه بنا به قرائن و دلایل معتبر و یا اطلاعات موثق مسروقه یا حامل افراد متواری یا اموال مسروقه یا کالای قاچاق یا مواد مخدر و یا به طور غیر مجاز حامل سلاح و مهمات باشد.
ب: در صورتی که از وسیله نقلیه برای تهاجم عمدی به مأمورین و یا مردم استفاده شده باشد.
تبصره ۱: مأمورین مذکور موظفند که در ایستگاه‌های ایست و بازرسی وسایل هشدار دهنده به اندازه لازم (اعم از موانع، تابلو، چراغ گردان) تعبیه نمایند.

تبصره ۲: مأمورین مذکور در صورتی می‌توانند به وسائل نقلیه تیراندازی نمایند که علاوه بر انجام امور تبصره یک، با صدای رسا و بلند به راننده وسیله نقلیه ایست داده و راننده به اخطار ایست توجهی ننموده باشد.
اکنون با توجه به ماده ۶، مأموران پلیس در حین مأموریت‌های خود و هنگام مواجه شدن با جرائم موضوع این ماده، باید توجه داشته باشند که منظور قانونگذار از وسیله نقلیه که به صورت عام به آن اشاره شده، شامل هرگونه وسیله نقلیه موتوری و غیر موتوری می‌باشد و ممکن است شامل موتور سیکلت، خودرو سواری، خودرو سنگین، قایق، کشتی، قطار، هواپیما، بالگرد و... باشد. خصیصه مهمی که این وسایل بایستی دارا باشند در واقع قابل انتساب بودن ویژگی‌های مصرح در ماده ۶ که همان مسروقه، حامل افراد متواری یا اموال مسروقه یا کالای قاچاق یا مواد مخدر و یا به طور غیر مجاز حامل سلاح و مهمات است. اما نکته‌ای که در این موضوع به میان می‌آید و اطلاق مذکور در ماده ۶ را گویا در عمل تخصیص می‌زند، این است که در وسایل نقلیه‌ای همچون هواپیما^۱ و بالگرد اعمال شرایطی که لازمه تیراندازی به سوی وسیله نقلیه است امکان پذیر نبوده و یا بی‌فایده و نامعقول است. به عنوان مثال، رعایت شرایط تبصره ۱ و ۲ ماده ۶ قانون بکارگیری سلاح در توقف هواپیما و بالگرد عملاً امکان پذیر نیست و توقف آنها مشمول مقررات خاص مربوط به خود می‌باشد که در این بحث نمی‌گنجد. در مبحث بعد به تیراندازی از درون بالگرد به سمت افراد یا وسایل نقلیه می‌پردازیم.

تیراندازی از درون بالگرد

مبحثی که به آن توجهی نشده، تیراندازی از درون بالگرد به سمت خودروهای مشمول ماده ۶ ق.ب.س، افراد متواری، متهمین خطرناک، محکومین فراری از زندان، اشراز شناخته شده و غیره می‌باشد. یعنی علاوه بر خودروهای موضوع ماده ۶، آیا می‌توان به افراد مشمول ماده ۳ از درون بالگرد تیراندازی کرد؟ در مأموریت‌های پلیس هنگامی بالگرد بکار می‌رود که متهم یا فرد متواری خطرناک بوده و بزه انتسابی در زمره جرایم

نقلیه آبی‌خاکی، هواگرد (هواپیما، بالگرد) است. (مشارکت‌کنندگان ویکی‌پدیا Vehicle در دانشنامه ویکی‌پدیای انگلیسی، بازبینی شده در ۳۱ شهریور ۱۳۸۹).

۱. بر اساس ماده ۱ قانون هواپیمایی کشوری، هواپیما: «منظور از هواپیما که در این قانون ذکر می‌شود وسیله نقلیه‌ای است که بتواند در نتیجه عکس‌العمل هوا خود را در فضا نگاهدارد.»



سنگین باشد. مثلاً گریز مجرم خطرناک از زندان، سرقت مسلحانه، قتل، گروگان گیری ها و یا در مواردی که متهم راننده ماهری بوده و از چنگ خودروهای پلیس گریخته و مسیری را در پیش می گیرد که بهترین راه برای تعقیب او استفاده از بالگرد است.

تیراندازی به سمت شناورها

در مورد وسایل نقلیه دریایی نیز در حالتی که ناخدا و سکاندار شناور به اخطار ایست ماموران ایستگاه های بازرسی یا گشت دریایی توجه نکند، کاربرد سلاح مجاز خواهد بود. هرچند تعبیه وسایل هشدار دهنده و تذکر دادن به صدای بلند برای متوقف کردن وسایل نقلیه در تبصره های 1 و 2 ماده ۶ قانون پیش بینی شده است.

برابر قانون بکارگیری سلاح در مواجهه با وسایل نقلیه بایستی لاستیک و موتور و سلیه نقلیه مورد هدف قرار گیرد. اما با توجه به اینکه تیراندازی به سمت لاستیک برای شناور و قایق متصور نیست؛ لذا پیشنهاد کرده اند هنگام تعقیب این وسایل تا حد امکان پروانه و یا موتور آنان هدف قرار گیرد و براساس مقررات بین المللی و سیاست حقوقی کشورهای موفق در این زمینه (از جمله انگلستان)، فقط در مواقعی که «جان مامور یا شهروندان» در خطر است از سلاح استفاده شود. (غلامی رزینی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۷) البته درخصوص تیراندازی به موتور قایق، چون موتور و مخزن سوخت در یک راستاست پس همواره خطر انفجار وجود دارد. پرسش اساسی این است که در صورت انفجار قایق مسئولیت آن برعهده کیست؛ مأمور یا سازمان متبوع وی؟ برخی قضات استدلال میکنند که حتی الامکان باید از تیراندازی خودداری و به تعقیب و مراقبت دریایی ادامه داد تا جایی که سوخت قایق خالی به اتمام رسد. اما احتمال اتمام سوخت قایق خود مأموران نیز وجود دارد. به زعم ما چینی استدلالی انتزاعی صرف بوده و عملاً در دستگیری و تامین امنیت دریایی کارساز نیست. در شرایط جوی مختلف و یا در اوضاع گوناگون دیگری که ممکن است بر روی دریا رخ دهد، شرایط تیراندازی بسیار دشوار خواهد بود. فرضاً موج بودن دریا، عدم تعادل قایق، سرعت حرکت و یا شرایط جوی نامناسب مانند تاریکی هوا، مه آلودگی و... از جمله عوامل موثر در تیراندازی است. اینگونه کاستی ها در امر قانونگذاری از علل اصلی سردرگمی بسیار ماموران در مدیریت صحنه حادثه و نتیجتاً افزایش آمار روزانه پرونده های مسئولیت ناشی از تیراندازی است. هنگامی که مأمور ملاک نسبتاً روشنی در اوضاع و احوال گوناگون برای تیراندازی ندارد، چه چیزی را باید مبنای تمیز و تطبیق در بکارگیری قانونی سلاح قرار دهد؟ و اساساً چگونه؟ شاید آموزش اساسی ترین شاخصه باشد، اما خلاء قانونی و عبارات کلی مانند «ضرورت» به نوعی است که تکرار و تمرین بسیار در امر آموزش نیز رافع چالش ها نخواهد بود.

ابهامات مشترک در ماده 3 و 6



در برخی مناطق مرزی شرایط جغرافیایی مثل نزدیکی به مرز کشور مقابل، باز بودن میدان نبرد و امکان فرار خاخی، و... رعایت شرایط تیراندازی عملاً سخت است. پس ملاحظه میشود که مقنن باید شرایط جوی منطقه و شرایط آب و هوایی را در زمان عملیات و درگیری در نظر بگیرد. (همان) حسب ظواهر، در تیراندازی طبق ماده 6، باید توجه داشت که، هدف، متوقف نمودن وسیله (خودرو، قایق و...) است و قانونگذار هیچگونه مجوزی مبنی بر شلیک به سمت راننده یا سرنشین را به کسی نداده. به عبارتی، در صورت بی توجهی راننده به ماموران و عدم توقف خودرو، نمیتوان این عمل را مجوزی برای شلیک به سمت خود راننده دانست. لازم است بیافزاییم اولاً وسایل نقلیه که در چنین مواردی به کار می روند، صرفاً وسیله بوده و فاعل فعل شخص راننده است^۱. لذا در فرضی که خودرو پس از شلیک ماموران متوقف شده و راننده متواری گردد، آیا می توان قائل به تیراندازی به سمت خود راننده یا سرنشین شد؟ پاسخ آرای محاکم منفی است و نظر خود را مستند به ماده 3 ق. ب. س مینمایند. با این استدلال که تیراندازی به شخص فراری، مصداق مدافعه شخصی یا سایر موارد برشمرده در آن ماده نیست و تنها در صورتی میتوان به فراری تیراندازی کرد که وی سارق، قاطع الطریق، کسی که اقدام به ترور، تخریب و یا انفجار نموده باشد.

نکته قابل توجه ای که در تبصره 2 ماده 6 مشاهده شده و برخی محاکم، برداشت های متفاوتی از آن دارند، این است که ماموران در صورتی میتوانند به سمت وسیله نقلیه تیراندازی کنند که اولاً، نسبت به برقراری ایست و بازرسی در مسیر حرکت وسیله نقلیه در حال فرار اقدام کرده؛ ثانیاً، در ایست و بازرسی با صدای رسا و بلند به راننده وسیله نقلیه ایست داده شود و ثالثاً، چنانچه راننده به اخطار ایست ماموران توجهی ننمود، ایشان میتوانند به سمت وسیله نقلیه و نه راننده شلیک نمایند. نکته ای که شاید از ذهن دور بماند این است که در واقع تبصره یک، امری خاص بوده و استقرار ایست و بازرسی را مختص ایستگاه های اختصاصی ایست و بازرسی که مصوب شورای عالی امنیت ملی باشد، دانسته است. به عبارتی قانونگذار به ماموران مستقر در این ایستگاه ها، در صورت مواجه شدن با موارد مصرح در ماده 6، حق بکارگیری سلاح را پس از صدور دستور ایست تجویز نموده است. نه آنکه در فروضی مثل تعقیب و مراقبت توسط ماموران یا پس از متواری شدن راننده ای که خودروی او متوقف شده، مجدداً با تجهیزات ایست و بازرسی برپا نموده، با صدای بلند ایست کشیده و او توجهی به دستور ایست نکرده باشد، بتوان تیراندازی کرد.^۲ این ابهام برای حقوقدان نیز پیش آمده: «برابر تبصره

۱. یعنی عقلاً نمی توان پذیرفت که خودرو به طور خود به خود و بدون سرنشین مرتکب چنین رفتاری شود. خودرو وسیله ارتکاب است و نه فاعل فعل مجرمانه.

۲. ساده تر آنکه، رعایت شرایط گفته شده در این ماده در صورتی است که از قبل ایست و بازرسی وجود داشته باشد. الا در فروضی که گفته شد و مانند آن، رعایت چنین نکاتی عملاً بیبوده و اساساً فکاهی است.



2 ماده 6 قانون به کارگیری سلاح مأموران مذکور در صورتی میتوانند به وسایل نقلیه تیراندازی نمایند که علاوه بر انجام امور تبصره 1 این ماده (تعییه وسایل هشدار دهنده اعم از موانع، تابلو، چراغ گردان به اندازه لازم در ایستگاه های ایست و بازرسی)، با صدای رسا و بلند به راننده وسیله نقلیه ایست داده و راننده به اخطار ایست توجهی ننموده باشد. این ابهام وجود دارد که آیا مأموران برای مجاز بودن تیراندازی به سمت وسایل نقلیه (خودرو، شنارو، قایق و...) قبل از تیراندازی حتماً باید ایستگاه ایست و بازرسی ایجاد نمایند و در غیر این صورت حق تیراندازی ندارند؟» (نجفی توانا و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۸). در پاسخ میتوان گفت که منظور از تبصره 1 و الزام به انجام آن در تبصره 2 در فرضی است که متهم در محل ایستگاه های ایست و بازرسی مصوب شورای امنیت کشور، مرتکب جرایم مصرح شده و یا در حال رانندگی به سمت ایستگاه های مذکور باشد، چه اگر غیر از این قائل باشیم، کار برای مأموران پلیس دشوار و چه بسا غیر ممکن میگردد. زیرا شاید خودرو تحت تعقیب، درون حوزه شهری و نه در ایست و بازرسی در حال فرار باشد.

در تبصره دو، مأموران را در صورتی مجاز به تیراندازی به سمت وسایل نقلیه می داند که شرایط عمل مجرمانه یا وضعیت پیش بینی شده در قانون بکارگیری سلاح محرز باشد؛ یعنی: 1- عمل مجرمانه یا وضعیت موجود از مصادیق احصاء شده قانون بکارگیری سلاح باشد؛ 2- مأمور پلیس در حال مأموریت باشد؛ 3- مأمور چاره ای جز به کارگیری سلاح نداشته باشد و 4- با توجه به وضعیت موجود و بررسی منطقی آن توسط مأمور، ضرورت به کارگیری سلاح احراز شود. به بیان موجز، وجود مراتب مزبور، مقدمه لازم ایجاد حق و اختیار به کارگیری سلاح توسط مأموران است؛ نه ایجاد تکلیف برای آنان در بکارگیری سلاح. بلکه تکالیف آنان عبارتند از: تکلیف دادن اخطار قبلی در صورت اقتضای شرایط و 2- تکلیف رعایت مراتب تیراندازی در صورت امکان.^۲

منظور از «قرائن و دلایل معتبر و یا اطلاعات موثق»

۱. یکی از نهادهایی که در سال های اولیه پیروزی انقلاب اسلامی تأمین امنیت داخلی کشور را برعهده داشت، شورای امنیت ملی کشور بود که این در سال 1360 با پیشنهاد وزیر کشور وقت (علی اکبر ناطق نوری) از نخست وزیری به وزارت کشور واگذار شد. این شورا در ابتدا تحت نظر نخست وزیر وقت و ریاست آن هم برعهده نخست وزیر وقت بود و از طرفی جلسات شورا نیز در نخست وزیری تشکیل می شد. پس از حادثه هشتم شهریور 1360 که طی آن شهیدان رجائی و باهنر رئیس جمهور و نخست وزیر وقت به شهادت رسیدند، با پیشنهاد وزیر وقت کشور و گذاری شورای امنیت کشور به وزارت کشور مطرح شد و پس از تهیه اساسنامه این شورا در 1362 به مجلس شورای اسلامی ارائه و در همان سال به تصویب رسید (آذر ۱۳۹۸ - ۰۰:۳۴، شناسه خبر: ۳۱۸۶۱۳)

[/318613https://basirat.ir/fa/news/](https://basirat.ir/fa/news/318613)

۲. رعایت این تکلیف بستگی به شرایط، اوضاع و احوال موجود دارد که خود مأمور باید آن را تشخیص داده و در صورت مجلس قید نماید.



در بند الف ماده ۶ آورده: «...در صورتی که وسیله نقلیه بنا به قرائن و دلایل معتبر و یا اطلاعات موثق...» مسئله اینجاست که منظور از عبارات کلی فوق چه بوده و ملاک تشخیص آن چیست؟ پاسخ به این پرسش در رفع ابهامات موجود و پیرو آن تشکیل یک رویه یکسان در این مورد بسیار کارگشاست. در نشست های قضایی سازمان قضایی نیروهای مسلح در پاسخ به این پرسش گفته شده «منظور مقنن از دلایل معتبر ... در ماده 6 قانون فوق الذکر این است که با توجه به اوضاع و احوال و شرایط برای مأمور اطمینان حاصل شود که وسیله نقلیه حامل افراد متواری، اموال مسروقه است، به طوری که هر فرد عادی نیز به این نتیجه برسد و منظور مفهوم خاص و تعریف دقیق حقوقی و موارد احصاء شده نیست.» (مجموعه نشست های سازمان قضایی، ۱۳۸۷: ۲۲۲).

سوال دیگر این است که آیا مأموران پلیس در مواجهه با خودرویی که حامل اتباع خارجی غیرمجاز بوده، حق تیراندازی دارند؟ نظر به فرض مسئله؛ 1- با توجه به ماده ۶ قانون، آیا مأموران مجاز به تیراندازی به سوی خودروی مذکور جهت متوقف نمودن و دستگیری اتباع بیگانه غیر مجاز هستند؟ 2- چنانچه تیراندازی مأموران منجر به ایراد صدمه بدنی یا قتل اتباع گردد، نوع حادثه (عمدی، شبه عمدی، ...) و نحوه انتساب آن چگونه است؟ 3- وصف مجرمانه رفتار راننده خودرو در عدم توجه به ایست مأموران، حمل اتباع خارجی غیرمجاز و همچنین سرنشینان خودرو (اتباع خارجی غیرمجاز) چیست؟ در جواب گفته اند: «مأمورین نیروی انتظامی فقط در حدود مقررات قانون بکارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح، در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳ و با رعایت شرایط مقرر در آن مجاز به استفاده از سلاح و تیراندازی هستند و توجهاً به تبصره 2 ماده 3 قانون مذکور، مأمورین نیروی انتظامی فقط در موارد احصاء شده در بندهای 4 و 5 ماده 3 این قانون مجاز به بکارگیری اسلحه به سوی فرد فراری می باشند و خارج از این موارد احصاء شده حق بکارگیری آن را ندارند و هرگونه اقدام خلاف مقررات قانون مذکور با توجه به ماده ۱۶ قانون یاد شده حسب مورد، موجب محکومیت مرتکب وفق مقررات قانون خواهد بود و لذا قانوناً مجاز نیستند که به طرف سرنشینان و راننده اتومبیلی که اعلام شده یا بعداً معلوم شود که حامل اتباع خارجه غیرمجاز هستند، تیراندازی نمایند. 2- تشخیص عمدی و یا غیرعمدی بودن عمل مرتکب امری است موضوعی که احراز آن با توجه به شرایط و اوضاع و احوال قضیه با قاضی رسیدگی کننده است. 3- باتوجه به اصل قانونی بودن جرم و مجازات که در ماده 2 قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲/۲/۱ پیش بینی شده است، هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازاتی تعیین نشده جرم نیست و چون تاکنون در هیچ یک از قوانین موضوعه کشور برای افرادی که به عنوان راننده، اتباع خارجی را که به طور غیر مجاز وارد کشور ایران شده اند از یک محل به محل دیگر در خاک ایران نقل و انتقال



می دهند مجازاتی تعیین نشده است، لذا عمل آن‌ها جرم محسوب نمی‌شود؛ اما در مورد اتباع خارجه به عنوان ورود غیرمجاز به کشور قابل تعقیب و مجازات هستند» (نشست قضائی، استان یزد)

ابهام در عبارت «یا به طور غیر مجاز حامل سلاح و مهمات باشد»

هرچند فرض اولیه این است که پلیس بنا به اطلاعات موثق متوجه شده که در درون خودرو سلاح و مهمات غیرمجاز وجود دارد اعم از اینکه خود راننده حامل سلاح باشد یا سرنشینان او. خواه حمل سلاح تعمداً و دانسته باشد و یا سهوی و ندانسته. مثلاً راننده نداند که احدی از مسافران حامل اسلحه کمری است؛ یا میدانند که مسافرش مسلح و سلاحش غیر مجاز است. نهایتاً اینکه راننده میدانند مسافرش سلاح دارد؛ اما محرز نیست که وی مجوز حمل سلاح دارد یا نه. مثلاً فردی خود را نظامی در حال در مأموریت جا زده است. لکن این عبارت در بند الف ماده ۶ به قدری ابهام دارد که ممکن است چندین تفسیر دیگر را نیز متبادر کند. 1- به طور کلی وسیله نقلیه، مجوز حمل سلاح و مهمات ندارد؛ چه اسلحه و مهمات مجاز چه غیر مجاز. 2- وسیله نقلیه، حامل سلاح و مهمات غیر مجاز است؛ به این معنی که ممکن است مجوز حمل سلاح و مهمات داشته باشد، اما سلاح و مهماتی که حمل میکند غیرمجاز است. فروض دیگری نیز قابل تصور است به این شکل که علاوه بر وسیله نقلیه که میتواند به طور غیر مجاز حامل سلاح باشد، ممکن است سرنشینان حاضر در وسیله نقلیه، زمان و حتی مکان نیز در مسئله مطرح شود. به این تبیین که خودروی حامل، هم مجوز حمل دارد و هم سلاح و مهمات محمول مجازند؛ اما برهه زمانی که در آن حمل می‌شوند و یا مکانی که محموله از آنجا عبور میکند، غیرمجاز است.^۱ فرض دیگر اینکه، وسیله حامل، مجاز به حمل سلاح است، زمان و مکان نیز مجاز است؛ اما فرد یا افرادی که حامل آن هستند، مجاز به چنین کاری نیستند. در کدام یک مجوز تیراندازی وجود دارد و در کدام یک خیر؟ این‌ها گوشه‌ای از ابهامات و ابهامات ق.ب.س در اثر قانونگذاری شتابزده است. پاسخ به این فروض را بر حکمت قانونگذار بار میکنیم با این امید که در اصلاحات سپسین، مرتفع گردند.

نتیجه گیری

سیاستی که مقنن در تصویب قانون بکارگیری سلاح داشته، سیاست جنایی منطبق بر واقع‌گرایی نبوده و ایرادات آشکار قانون را نمیتوان نادیده گرفت. در این قانون تعارض بین حق و مصلحت مطرح است، نه تعارض بین دو حق. مدافعان مصلحت‌گرایی گفته‌اند در تعارض حق شهروندی و مصلحت جامعه، ارجحیت با مصلحت جامعه است. اما این گفته تا کنون راه به جایی نبرده. با نگاهی کلی به قانون مجاز می‌شویم که قانونگذار دقتی معطوف به جزئیاتی مانند شرایط جغرافیایی نکرده و در تبیین ملاک‌های نسبتاً روشن

۱. مثلاً در مبادی ورودی و خروجی مرزهای کشور یا ارگان‌هایی مثل دادگستری‌ها و اماکن نظامی.



تلاشی مشاهده نمی شود؛ در این موارد تکلیف ضابطان چه خواهد بود؟ قانون تنها مقرر داشته که در صورت ضرورت و در حالتی که چاره دیگری نباشد. در اینجا مامور و طرف مقابل در حادثه حضور داشته و دادرس صرفاً بر اساس تحقیقات، تصمیم می گیرد. منطقاً اظهارات طرفین همواره ممکن است عنصر نفع شخصی را دارا باشد و تمیز واقعیت عاری از این عنصر بسیار دشوار است. به طور کلی آیا باید اصل را بر صحت گفتار و کردار مامور گذاشت یا طرف مقابل؟ ملاک تشخیص ضرورت را باید حفظ جان افراد قرار داد یا حفظ نظم عمومی؟ در واقع تیراندازی یک حق است و نه تکلیف و یک فرع بر اصل است. یعنی اصل استقرار نظم بوده و لازمه حفظ نظم همواره بکارگیری سلاح نیست. زیرا به طرق دیگر نیز برپایی نظم امکان پذیر است. به باور ما با تمسک به قاعده «لایبطل دم امرء مسلم» میتوان ارجحیت را با حفظ جان افراد دانست. زیرا در اسلام ارتکاب اعمال خلاف را موجبی برای انزال صفت اسلام کسی نمی دانند.

منابع

1. آشوری، داریوش (۱۳۸۷). دانشنامه سیاسی، نشر مروارید، چاپ شانزدهم، ص ۳۸
2. نویدنیا، منیژه (۱۳۸۴). چندگانگی امنیت: امنیت ملی، عمومی و امنیت اجتماعی، تهران: نشریه معاونت اجتماعی ناجا، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره دوم و سوم.
3. میرعرب، مهرداد (۱۳۷۹). نیم نگاهی به مفهوم امنیت، ترجمه سجادی، سید عبدالقیوم، فصلنامه دانشگاه باقرالعلوم، سال سوم، شماره نهم.
4. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۹۰). ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، تهران
5. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ لغت فارسی دهخدا، نسخه آنلاین (برخط)
6. غلامی رزینی، محسن، سلطانی، مسعود، غلامی، احسان (۱۳۹۶). بررسی چالش ها و خلاء های قانونی استفاده از سلاح گرم توسط مرزبانان، پژوهشنامه مطالعات مرزی، دوره ۵، شماره ۴، ص ۱-۲۸
7. مجموعه نشست های قضایی معاونت قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۷، ۲۲۱-۲۲۲
8. نشست قضایی، بررسی نحوه به کارگیری سلاح از سوی ماموران و نوع قتل به تبع آن، استان یزد، ۱۳۹۵/۲/۲۰
9. محمدی، ابوالحسن؛ (۱۳۸۰) چاپ پنجم، تهران، نشر دادگستر
10. کاظمی فر، مهران، (۲۰۱۶)، <https://www.ghazavatonline.com/?p=6182>
11. پیلوار، رحیم (۱۳۹۲)؛، فلسفه حق مالکیت، چاپ دوم، تهران، شرکت سهامی انتشار.



Analysis and review of Articles 3 and 6 of the Law on the Use of Weapons and the resulting ambiguities

Abstract

The Law on the Use of Weapons, approved in 1994, is one of the special laws of the country in which the conditions and manner of using weapons by the Armed Forces are counted. However, this law has not been formulated on the basis of geographical conditions and regions, variety of missions and specialized duties of the Armed Forces, especially the police, and this, despite some shortcomings, especially in Articles 3 and 6 of this law, has created problems. Criticism of jurists, especially judges, has been found in the opinions and appointments issued by public and military courts and tribunals in many cases, there is disagreement in the interpretation of the law against shooters, especially NAJA staff, due to the variety and abundance. We are their missions. Therefore, the present article first enumerates the main shortcomings and disadvantages of this law and then presents appropriate proposals in the field of discussion.

Keywords: Law on the Use of Weapons, Armed Forces Officers, Prosecutor's Office and Military Courts